

بازتاب انواع صورت‌های فلکی در
هنر سفالگری دوران اسلامی تا
دوره صفوی و تطبیق آن‌ها با
نمونه‌های موجود در کتاب
صورالکواکب عبدالرحمن صوفی



بشقاب با نقش تزیینی دو
ماهی در مرکز کف داخلی.
مأخذ: موزه ویکتوریا.

بازتاب انواع صورتهای فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفوی و تطبیق آنها با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی

سیدهاشم حسینی*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۱۱/۶



چکیده

تحقیق پیش رو به بررسی بازتاب انواع صورتهای فلکی از جمله نقوش دایره البروج بر روی سفالینه‌های دوران اسلامی ایران از سده‌های اولیه اسلامی تا اوایل دوره صفوی می‌پردازد. هدف تحقیق شناسایی و طبقه‌بندی کلی انواع مختلف نقوش مرتبط با مفاهیم نجومی در این سفالینه‌ها و مقایسه آنها با نمونه‌های موجود در یکی از مهمترین کتب تخصصی علم نجوم است. مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق عبارت‌اند از: ۱. انواع صورتهای فلکی که بر روی سفالینه‌های دوران اسلامی ایران نقش بسته اند؛ کدامند و دارای چه ویژگی‌هایی می‌باشند؟ ۲. صورتهای فلکی مزبور تا چه میزان با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی انطباق دارند؟ بنابر یافته‌های تحقیق، صورتهای فلکی روی سفالینه‌های اسلامی از تنوع گسترده‌ای برخوردارند و با توجه به تمرکز بیشتر سفالگران بر ملاک‌های تزئینی، کاملاً منطبق با نمونه‌های نسخ خطی علم نجوم ترسیم نشده‌اند بلکه بعضاً، به اقتضای سلیقه هنرمند، تغییراتی در آنها صورت گرفته است. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و رویکرد آن تطبیقی است. گردآوری اطلاعات بر اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و مشاهدات، متکی است و روش تحلیل داده‌ها کیفی است. جامعه آماری تحقیق متشکل از یازده نمونه شاخص سفالینه دوران اسلامی حاوی نقوش صور فلکی است.

واژگان کلیدی

هنر اسلامی، سفالگری ایران، صور فلکی، صورالکواکب.

*دانشیار باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی، دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، شهر اصفهان، استان اصفهان

Email: H.hoseini@Aui.ac.ir

بازتاب انواع صورت‌های فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفوی و تطبیق آن‌ها با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی

مقدمه

نقوش روی سفالینه‌های اسلامی جزو زیباترین و در عین حال پررمزورازترین نقوش تزیینی هنر اسلامی به‌شمار می‌رود که جنبه‌های مختلف زندگی مردم ادوار گذشته شامل علمی، مذهبی، ادبی، تاریخی و... را دربرمی‌گیرد. تفسیر و تعبیر معانی و مفاهیم نهفته در پس‌ظاهر معمولی این نقوش، نیازمند آگاهی از منابع مختلف تأثیرگذار بر کاربرد آنها در دوران اسلامی اعم از عرفان، نجوم، ادبیات و... است. نکته مهم در تفسیر این نقوش توجه به عدم کاربرد صرفاً تزیینی یا زیبایی شناختی آنها است؛ بدین معنا که در کاربرد اغلب آنها معانی و مفاهیم خاص از جمله نقوش مرتبط با پدیده‌های نجومی مد نظر بوده است.

در طبقه‌بندی علوم اسلامی، علم نجوم از مهمترین علوم محسوب می‌شود که در ابعاد مختلف مذهبی و غیرمذهبی زندگی مسلمانان نقش اساسی داشته است. اهمیت تعیین زمان در مقیاس‌های مختلف از سال گرفته تا ماه و روز و... برای انجام تکالیف مذهبی خاص مانند نماز، روزه، حج و... از جمله مصارف مذهبی این علم بود. اما در کنار این مورد، مصارف غیرمذهبی و بعضاً خرافی یا تقننی نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. در این دوره علیرغم اعتقاد به اراده خداوند در تعیین سرنوشت بشر، اعتقاد به احکام نجومی نیز از طرفداران زیادی برخوردار بود، کما اینکه امروزه نیز چنین است.

یکی از پل‌های ارتباطی علم نجوم با هنر اسلامی، نقوش صور فلکی در قالب‌های انسانی و حیوانی مورد استفاده برای تمیز و تعیین جایگاه ستارگان و سیارات در آسمان است که در تزیین هنرهای مختلف اسلامی از جمله هنر سفالگری تأثیر بسزایی برجای گذاشته است. تبعاً هنرمندان سفالگر برای جلب مشتریان بیشتر به کاربرد نقوش مزبور که بعضاً خوش‌یمن یا مرتبط با شغل یا زادروز مشتریان بود، تشویق می‌شد. به عبارتی این دسته از نقوش را می‌توان نشانگر دانش، اعتقادات و گاهی خرافات انسان‌هایی دانست که سطح ظروف سفالی را عرصه مناسبی برای هنرنمایی و بیان تفکرات خود دیده‌اند.

تحقیق پیش رو، نحوه بازتاب انواع نقوش صورتهای فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. البته با توجه به کثرت نمونه‌های سفالی حاوی نقوش صورتهای فلکی، صرفاً مواردی شاخص به‌عنوان نمونه یا به قولی مشتق نمونه خروار ارائه می‌شود. همچنین تحقیق حاضر متناسب با دانش و استنباط نگارنده که طی سال‌های متمادی از بررسی نقوش مختلف سفال‌های اسلامی به‌دست آورده است و بر مبنای نمونه‌های موجود یا در دسترس صورت گرفته و شروعی است بر انجام تحقیقات مفصل بعدی.

۱. معروف‌ترین اثر عبدالرحمان صورالکواکب الثابت نام دارد که وی در سال ۳۵۳ هجری قمری به رشته تحریر در آورد. این کتاب که در مورد ستارگان ثابت است ادامه پژوهش‌های ستاره‌شناسی در سده سوم هجری بود و بر پایه آثار کلاسیک و کهن از جمله المجسطی بطلمیوس تدوین شده است. وی در آن بسیاری از رصد‌هایش را همراه با تصویر تشریح کرده است. او در این کتاب، ستارگان را با نام‌های عربی آن‌ها مشخص کرده و جدولی از قدرهای دقیق ستارگان هر صورت فلکی و نمای صورت فلکی ارائه کرده است (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۷۳).

۲. ابوالحسن عبدالرحمان بن عمر بن محمد بن سهل صوفی رازی (۲۷۱-۲۹۱ ه.ق) در شهر ری دیده به جهان گشود و در سن ۸۳ سالگی در شیراز درگذشت. وی استاد ریاضی و ستاره‌شناس برجسته ایرانی سده چهارم بود که در ۴۶ سالگی بنا به دعوت عضدالدوله دیلمی (۲۷۲-۳۶۷ ه.ق) در اصفهان در دربار وی رحل اقامت گزید. کار اصلی وی تشریح یافته‌های پیشین یونانیان در علم نجوم و ترجمه آثار آن‌ها به زبان عربی بود (همان، ۷۵).

هدف این تحقیق برقراری ارتباط با نقوش تزیینی ادوار گذشته و شناخت بیشتر و بهتر بستر علمی و اجتماعی جوامع تولیدکننده این آثار و ارائه تفسیر و تحلیل صحیح و بر مبنای واقعیت از نقوش است. در کنار این هدف کلی، پی بردن به میزان تقید هنرمندان تزیین کار ظروف سفالی به انطباق نقوش خود با نمونه‌های موجود در کتب و نسخ نجومی معاصر، تعیین مهم‌ترین ادوار کاربرد این نقوش و عوامل مرتبط و زمینه ساز با کاربرد آنها و تعیین گونه‌های سفال اسلامی که در تزیین آنها از این نقوش استفاده شده از دیگر اهداف این تحقیق به‌شمار می‌آید. در راستای اهداف مزبور، مهمترین سوالات این تحقیق عبارتند از:

۱. انواع صورتهای فلکی که بر روی سفالینه‌های دوران اسلامی ایران نقش بسته‌اند کدامند و چه ویژگی‌هایی دارند؟

۲. صورتهای فلکی مزبور تا چه میزان با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی^۲ به‌عنوان یکی از مهمترین کتب مربوط به علم نجوم انطباق دارند؟

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و رویکرد آن تطبیقی است. گردآوری اطلاعات بر اسناد و مدارک کتابخانه‌ای و مشاهدات متکی است و روش تحلیل داده‌ها کیفی است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به‌صورت فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای به‌خصوص کتب مربوط به علم نجوم بعلاوه مطالعات میدانی در قالب توصیف فرمی، تکنیکی و نقوش تزیینی نمونه‌های معتبر موجود در موزه‌های داخلی و خارجی است. جامعه آماری تحقیق متشکل از یازده نمونه شاخص از سفالینه‌های دوران اسلامی حاوی نقوش صور فلکی است. یکی از مهم‌ترین مراحل در زمینه تحقیق، یافتن نمونه‌های نقوش صورتهای فلکی به‌خصوص نوع منفرد آن در سفالینه‌های دوران اسلامی ایران بوده است. مرحله بعد شامل یافتن معنا و مفهوم نجومی این نقوش باتوجه به مشخصات ظاهری نقوش و سایر زمینه‌های مرتبط با کاربرد آنهاست. تبعاً در این مرحله وجود یک معیار مناسب برای تعیین میزان مطابقت و شباهت آنها با نقوش نجومی از اهمیت والایی برخوردار است. بدین جهت نمونه‌های نقوش و مفاهیم نجومی مورد مطالعه با نقوش نجومی موجود در کتاب صورالکواکب تألیف عبدالرحمان صوفی مقایسه شده‌اند. بنابراین، ملاک نجومی بودن نقوش مزبور، تشابه به صور فلکی کتاب صورالکواکب، و به‌علاوه سایر شواهد و قراین موجود بر روی آنهاست.

پیشینه تحقیق

تحقیقات اختصاصی صورت‌گرفته در عرصه شناسایی



نظری بر علم نجوم در دوره اسلامی

علم نجوم از جمله نخستین علوم بود که در دوران اسلامی مورد توجه دانشمندان مسلمان قرار گرفت و به خصوص در ایران از رشد و گسترش قابل توجهی برخوردار شد. هرچند این رشد مداوم و پیوسته، تا حدود زیادی وابسته به انتقال دانش نجوم ادوار باستانی ایران به دوره اسلامی بود که با ترجمه کتب پهلوی مرتبط با نجوم به زبان عربی صورت گرفت (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۶۰). اما عوامل مهمتری نیز در این زمینه دخیل بود که ریشه در دین اسلام داشت. اهم این عوامل عبارت‌اند از:

- تحریک و ترغیب آیات قرآن مجید خطاب به دانشمندان و کنج‌جویی درباره حقیقت علمی پیدایش جهان، همچنین تأمل در حرکات ستارگان و خورشید و کره زمین و ماه و اجرام آسمانی؛

- علت‌یابی حوادثی مثل کسوف و خسوف که مسلمانان با رویداد آن‌ها باید واجبات دینی و شرعی، مثل نماز آیات را به جای می‌آوردند؛

- تربت بعضی از تکالیف مهم مذهبی مثل نماز، روزه، حج و شناخت سمت قبله بر لزوم توجه به شناسایی ماه و خورشید و ستارگان و حرکات آن‌ها، که البته از لحاظ علمی، تأثیر بسیار بنیادینی در تکوین این رشته داشت (علامه جعفری، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

گلدشتاین معتقد است که ستاره‌شناسی یا نجوم اسلامی پس از ورود میراث نجومی هلنی (و به تبع آن میراث نجوم ادوار باستانی ایران) در جهت همین عوامل یا موضوعات مهم قرار گرفته است (Goldstine, 1986:80).

در میان مسائل مختلف نجوم، آن‌ها که بیشتر مورد توجه منجمان مسلمان بود عبارت است از بحث در ماهیت اجرام فلکی، حرکات سیارات و فاصله و بزرگی آن‌ها که به محاسبات مبتنی بر طرح‌های ریاضی که با آن‌ها کار می‌کردند، بستگی داشت. از جمله پیشرفت‌های نجوم در دوره اسلامی نیز تهیه فهرست ستارگان یا زیج الغ بیگ است که از نخستین جداول نجومی پس از زمان بطلمیوس بود (نصر، ۱۳۸۶: ۱۷۹).

از مهم‌ترین چهره‌های ایرانی که در دوران اسلامی تأثیر بسزایی بر دانش ستاره‌شناسی داشتند می‌باید از عبدالرحمن صوفی یاد کرد که در سده چهارم هجری قمری با تالیف کتاب صورالکواکب، زمینه ساز ظهور صورت‌های فلکی بر روی آثار هنری ادوار بعد شد.

اما در کنار بحث علمی نجوم، نباید از بحث احکام نجومی و طالع بینی نجومی نیز غافل شد که بر خلاف علم نجوم که یکی از علوم طبیعی دقیق مربوط به شناخت سیارات و ستارگان و حرکت آن‌ها و پدیده‌های خسوف و کسوف و مسائلی از این قبیل است، اغلب تلاش می‌شود با توجه به وضعیت صورتهای فلکی، سیاره‌ها، خورشید و ماه نسبت به یکدیگر، اتفاقات، پیش آمدها و حوادث زمینی پیشگویی

و بررسی نقوش نجومی موجود بر روی سفالینه‌های اسلامی بسیار نادر است و می‌توان گفت تحقیق کنونی اولین مورد در نوع خود به لحاظ هدف است. از معدود پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه باید به مقاله زارعی و شریف کاظمی (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی نمادهای نجومی نقوش سفالینه‌های اسگرافیاتو مجموعه موزه‌های بنیاد مستضعفان» اشاره کرد که در آن برخی از صور فلکی در سفالینه اسگرافیاتو ارائه شده‌اند، هرچند که انطباق اغلب آن‌ها با نقوش نجومی بعید به نظر می‌رسد.

اما در حیطه‌های نزدیک به این موضوع می‌توان از تحقیقاتی که در زمینه نقوش نجومی روی ظروف فلزی صورت گرفته نام برد. از جمله قهاری گیلگو و محمدزاده (۱۳۸۹) برخی از صور نجومی نسخه‌ای از کتاب صورالکواکب را با نمونه‌هایی از نقوش دوازده‌تایی صور فلکی در ظروف فلزی متعلق به سده‌های پنجم تا هفتم هجری مورد مطابقت قرار داده‌اند. در مقاله‌ای دیگر افروغ و نوروزی طلب (۱۳۹۱) ماهیت تزیینی مفاهیم نجومی یک آبریز فلزی برنجی را که اغلب شامل نقوش دوازده‌تایی صور فلکی دایره‌البروج است مورد بررسی قرار داده‌اند. ناصریان اصل و مجابی (۱۳۹۲) در مقاله «مطالعه‌ای بر نقوش نجومی در فلز کاری دوره سلجوقی و فرش دوره قاجار» مقایسه‌ای بین نقوش صور فلکی بازتاب یافته در ظروف فلزی دوره سلجوقی و نقوش نجومی فرش‌های دوره قاجار ملهم از تقویم‌های نجومی این دوره انجام داده و تداوم نقوش صور فلکی از ابتدای دوران اسلامی تا قرون متأخر با تغییرات خاص هر دوره را مورد تأکید قرار داده‌اند. محمودی و موسی‌پور (۱۳۹۴) در مقاله «تأثیر هنر فلزکاری مکتب خراسان بر فلزکاری مکتب موصل» به واکاوی نقوش قلمدان و گلاب پاش منطقه غرب ایران در دوران سلجوقی و مکتب موصل پرداخته‌اند که طی آن به نقوش برج‌های دوازده گانه صور فلکی هم به عنوان یکی از نقوش رایج اشاره کرده‌اند. همچنین رضازاده، آیت‌اللهی و مراشی نیز در مقاله «نقدی بر انتساب سه اثر از فلزکاری غرب ایران به مکتب موصل در نیمه اول قرن هفتم هجری؛ عودسوز ابوبکر سنی رازی، ابریق و شمعدان موزه ویکتوریا و آلبرت» (۱۳۹۲) سه نمونه از آثار فلزی منتسب به مکتب فلزکاری موصل را با هدف تعیین خاستگاه واقعی آن‌ها مورد مطالعه و تحلیل قرار داده و در ضمن ذکر ویژگی‌های تزیینی آن‌ها به نقش «اختر ماه» اشاره کرده‌اند.

نکته قابل‌ذکر در رابطه با تحقیقات فوق‌الذکر این است که در اغلب موارد صرفاً نقوش دوازده‌تایی دایره‌البروج و یا فقط یک نقش نجومی (اختر ماه) که تشخیص آن‌ها به‌سادگی امکان‌پذیر است مورد بررسی و معرفی قرار گرفته‌اند.

بازتاب انواع صورت‌های فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفوی و تطبیق آن‌ها با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی



تصویر ۳. نمای فوقانی دهانه کوزه کروی که بر روی شانه‌ها علامت دایره البروج نقش شده است. مأخذ: موزه آشمولین.



تصویر ۲. نمای نزدیک نمادهای سیاره‌های اطراف خورشید در کف کاسه مینایی. مأخذ: همان.



تصویر ۱. کاسه با نقاشی مینایی ساخت مرکز یا شمال ایران - متعلق به دوره سلجوقی موجود در موزه هنری متروپولیتن نیویورک. مأخذ: موزه متروپولیتن.

۱. دایره البروج عبارت است از مسیر حرکت ظاهری دورانی سالانه خورشید به دور زمین از نظر ناظر زمینی. این دایره در واقع عبارت است از تصویر مدار زمین بر کره آسمانی یا مدار نظری به دور خورشید از نظر ناظری که بیرون از منظومه خورشیدی ایستاده است (اکرمی، ۱۳۸۰: ۱۹).
۲. ماه (Moon) نزدیک‌ترین و مانوس‌ترین سیاره به زمین و ساکنان آن است و بعد از آفتاب بیش از همه اجرام سماوی در تفکر و زندگی انسان تاثیر گذاشته به ویژه در رسیدن میوه‌ها و رشد و نمو نباتاتی که میوه دارد و به وجود آمدن چارچ و تولید بعضی از مواد معدنی مانند سنگ نمک و تکوین و رشد و نمو بعضی حیوانات مانند طیور. ماه نیز مانند خورشید، نزد اقوام کهن مورد پرستش واقع شده است. در باب قمر و خورشید و تاثیر آن کاملاً در فصول رسائل اخوان الصفا بحث شده است. اخوان همچنین معتقدند که عمر حیوانات در این عالم به منازل قمر بستگی دارد (نصر، ۱۳۷۷: ۱۳۵).

۳. از زهره (Venus) در زبان فارسی با نام‌های ناهید و بیدخت یاد شده است. آناهیتا شکل دیگر ناهید و آناهید فارسی و پهلوی به معنی پاک و بی عیب از فرشتگان نگهبان آب بوده است. در احکام نجوم این ستاره را کوکب زنان، اهل زینت و تجمل، لهو و شادی، عشق و ظرافت، سخریه و سوگند دروغ نام داده اند شاعران فارسی، زهره را زن بریبت زن و زهره خنیاگر و زن مطربه لقب داده تقریباً هرجا در شعر نام زهره می‌آید، به سرود و نوازندگی و حالت نمادین او در زیبایی نیز حتی در نثر فارسی اشاره می‌رود (همان، ۳۴۵ و ۳۴۷).

۴. مشتری (Jupiter) زاوش، هرمزد، اور مزد و رامش نام‌های فارسی مشتری و نام دیگر آن برجیس است. ایرانیان مشتری را به عنوان رب النوع درخشان آسمان (به نام هورمزد)

بقیه در صفحه بعد

شود یا زمانهای سعد و نحس تعیین گردد. تاریخ دوره اسلامی، پر از اطلاعاتی در این زمینه است، اطلاعاتی که نشان می‌دهد چه مقدار تصمیمات مردم، از جنگ گرفته تا ازدواج بر اساس همین آگاهی‌های نجومی بوده که منجمان و پیشگویان برای مردم بیان می‌کرده‌اند.

یکی از دورانه پرشکوه توجه به پدیده‌ها و مفاهیم نجومی هم از نوع علمی و هم غیر علمی آن مربوط به قرون میانی اسلامی است که به دلیل محبوبیت این‌گونه امور، کاربرد نقوش و مفاهیم نجومی توسط هنرمندان رشته‌های مختلف برای تزیین اشیاء با تجسم شخصیت برای سیارات و صورت‌های فلکی دایره البروج رواج یافت. از زیباترین نموده‌های این کاربرد را می‌توان در عرصه هنر سفالگری این دوره به تماشا نشست که هم به لحاظ ویژگی‌های طراحی و هم از منظر تعاطلی مسائل نجومی و هنری حائز اهمیت است. به‌طور کلی انواع نقوش و مفاهیم نجومی بازتاب یافته بر روی سفالینه‌های دوران اسلامی را می‌توان در چهار دسته کلی زیر مورد بررسی و تحلیل قرار داد:

۱. نقوش سیارات اطراف خورشید

۲. نقوش دایره البروج به صورت دوازده تایی

۳. نقوش برخی از صور دایره البروج به صورت منفرد

۴. نقوش سایر مفاهیم نجومی

بدیهی است که تشخیص نقوش سیارات اطراف خورشید و نیز صور فلکی دایره البروج به صورت دوازده تایی بر سطح ظروف سفالی دوران اسلامی به آسانی امکان پذیر است، اما نقوش و مفاهیم نجومی دسته سوم و چهارم مستلزم شناخت دقیق نموده‌های مختلف صورفلکی به همراه مقایسه آنها با نمونه‌های مسجل نقوش نجومی موجود در کتب تخصصی علم نجوم و سایر زمینه‌های مرتبط با کاربرد آنهاست. در ادامه به بررسی دقیق‌تر نقوش هریک از دسته‌های فوق بر روی سفالینه‌های ایران در دوران اسلامی می‌پردازیم.

الف. نقوش سیارات اطراف خورشید

کاسه خمیر سنگی با نقاشی مینایی چندرنگ روی لعاب مات، ساخت مرکز یا شمال ایران، متعلق به دوره سلجوقی، به ارتفاع: ۹،۵ و حداکثر قطر: ۱۸،۷۵ سانتیمتر موجود در موزه هنری متروپولیتن نیویورک (تصویر ۱)

نقوش تزیینی این کاسه مشتمل بر نماد خورشید در دایره مرکزی است که توسط نمادهای انسانی شش سیاره منظومه شمسی شامل ماه، زهره، مشتری، مریخ، عطارد و زحل ۷ در بر گرفته شده است. هریک از این سیارات به وسیله پیکرنگاری شاخص همان سیاره قابل شناسایی است. از جمله عطارد که «آن را دبیر فلک گویند و علم و عقل بدو تعلق دارد» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه عطارد به نقل از غیاث الغات) به صورت مرد جوانی است در حال نوشتن بر روی یک طومار کاغذی. زهره که ملقب به ناهید چنگی یا خنیاگر فلک است در حال نواختن ساز رباب^۱ تصور شده است. مریخ جنگجویی است که یک شمشیر و سر بریده را در دست دارد. مشتری حکیم یا قاضی عمامه‌دار است و ماه به صورت زنی نشسته نمایان شده که دست‌های خود را بالا برده و هلال ماه بر دور گردن او قرار گرفته است. نماد سیاره زحل یا «شیخ النجوم» (همان: ذیل واژه زحل به نقل از از محیط المحيط) با تأثیر از منابع هندی و به صورت یک مرد سیاهپوست با ریش بلند سفید طراحی شده است. نوارهای تزیینی مجاور آنها نقوش سوارکاران و پرندگان، نقوش هندسی، ردیفی از ندیمان و نوازندگان نشسته را به همراه دو شخصیت بر تخت نشسته و یک کتیبه کوفی عربی دربرمی‌گیرد. یک کتیبه فارسی نسخ شکسته نیز سطح خارجی را دربرگرفته است.

قرارگیری سیاره‌ها به صورت مدور در اطراف خورشید در یک ظرف متعلق به قرن ۶ هجری که به خوبی تداعی‌کننده

بقیه از صفحه قبل

می‌پرستیدند و این پرستش احتمالاً قبل از مذهب میتراپی و در امتداد آن وجود داشته است. خدایی (هورامزدا) در آیین زردشتی که هورمزد، یا اورمزد یعنی ستاره مشتری دنباله همان اعتقاد است (همان، ۷۳۶).

۵. مریخ (Mars) بهرام، وهران و ورهران، اصل ورثرغن به معنی فاتح، شکننده و جنگجوست. در اشعار فارسی نیز از خشم و سلحشوری مریخ سخن‌ها گفته شده و عناوین فراوانی چون حیدر رزم فلک، مریخ خون آلود و مریخ سلحشور به وی داده اند (مصطفی، ۱۳۵۷: ۷۲۰). این ستاره در تصورات ایرانی، یونان و روم ایزد خدای جنگ بوده، به همین علت منجمان احکامی مریخ را کوکب لشکریان و امراء ظالم، دزدان و مفسدان شمرده اند (همان، ۷۲۹).

۶. عطارد (Mercury) که نام فارسی آن تیر است در احکام نجوم کوکب حکماء و طبیبان، شعرا و انکیا (هوشمندان و زیرکان) و دیوانیان و کاتبان، نقاشان، تجار، اهل بازار، دین، نطق و پاکی و ادب است به همین علت از عطارد در شعر فارسی با القابی چون اختر دانش، کاتب گردون، مستوفی گردون، دبیر انجم و کاتب علوی نام برده شده است (مصطفی، ۱۳۵۷: ۴۱۲).

۷. زحل (saturn) یا کیوان بلندترین و یا دورترین سیاره به زمین محسوب می‌شده و کلمه زحل نیز خود به معنی بسیار دور گریخته است. منجمان احکامی زحل را کوکب پیران و دهقانان، ارباب قلاع، خاندان‌های قدیم، غلامان سیاه، صحرا نشینان، مردم سفله، خسیس، زاهدان بی علم و موصوف به صفات مکر، کینه، حقم، جهل، بخل، ستیزه و کاهلی می‌شمرند (مصطفی، ۱۳۵۷: ۲۳۷). منجمان آن را نحس اکبر می‌گفتند و می‌پنداشتند که نظر در آن غم و حزن می‌آورد (ماهیار، ۱۳۸۲: ۲۵۱).

۸. رباب نام سازی است تاردار که نام دیگرش طنبور (تنبور) است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل پرشواش).

۱. از جمله دانشمندان اسلامی که با رصدها و محاسبات ابتکاری خود گردش سیارات به دور خورشید را تشخیص داده و تبیین کرده

بقیه در صفحه بعد



تصویر ۶. صورت فلکی ثور در کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.



تصویر ۵. بشقاب با نقاشی لعاب گلی شهر نیشابور با نقش تزیینی صورت فلکی ثور. مأخذ: کیانی و کریمی، ۱۳۷۴.



تصویر ۴. بشقاب بزرگ آبی و سفید صفوی با نقوش دایره البروج مشابه. مأخذ: موزه برلین.

بر نماد حمل دارد و جدی نیز فقط در قسمت فرم شاخ‌ها با حمل متفاوت است.

در طراحی نقوش انسانی نیز همین ویژگی یعنی تبعیت از فرم تقریباً یکسان مشاهده می‌شود از جمله برج جوزا به صورت پیکر مردی با دوسر مجزا ترسیم شده که دست‌های خود را به طرف بالا بلند کرده و به جز سر اضافی در سایر قسمت‌های بدن و نحوه نشستن با نقش برج سنبله مشابهت دارد. با توجه به فرم غریب این ظرف، احتمال کاربرد علمی آن در راستای تحقیقات یا مصارف نجومی هم قابل تصور است.

کاسه زرین‌فام مشابهی ساخت شهر کاشان و متعلق به دوره سلجوقی در همین موزه آشمولین موجود است که آن هم دارای علائم دایره البروج نسبتاً مشابهی در قسمت لبه داخلی است.

۲. بشقاب بزرگ آبی و سفید با نقش دوازده علامت منطقه البروج متعلق به اوایل دوره صفوی (قرن ۱۰ هجری) که با نقوش آبی کبالتی بر روی زمینه سفید تزیین شده است. محل نگهداری: موزه برلین (تصویر ۴) این ظرف جزو معدود نمونه‌های کاربرد نقوش نجومی بر روی سفالینه قرون متأخر اسلامی در ایران محسوب می‌شود. طی دوره صفوی سفالگران در تزیین دسته‌ای از ظروف آبی - سفید تغییراتی بوجود آوردند و آنها را با مشخصات هنری این دوره منطبق ساختند که بدین لحاظ می‌توان این دسته را ظروف آبی - سفید با نقوش خالص ایرانی نامید. در همین راستا به جای نقوش صحنه‌ها و مناظر چینی از مضامین ایرانی - اسلامی همچون مفاهیم نجومی، کتیبه‌های فارسی، نقوش انسانی با مشخصات نژادی و لباسی ایرانی و... استفاده کردند. یکی از نمونه‌های این ظروف همین بشقاب است که در جداره‌های داخلی آن نقوشی مشتمل بر دوازده علامت منطقه البروج به رنگ آبی مایل به سیاه کبالت بر روی

گردش آنها بر گرد خورشید است نشان‌دهنده پیشرفت فراوان علم نجوم مسلمانان در این زمان در مقایسه با جهان غرب است. ۱.

ب. نقوش صور فلکی ۲ دایره البروج به صورت دوازده تایی

۱. شاخص‌ترین نمونه این دسته کوزه کروی دهان‌گشاد ساخت کاشان و متعلق به اواخر دوره سلجوقی است که از جنس خیر شیشه ساخته و با نقوش زرین‌فام تزیین شده است. ارتفاع این ظرف ۱۱.۲ و قطر آن ۱۸.۵ سانتیمتر است و در موزه آشمولین نگهداری می‌شود (تصویر ۳) گفتنی است که در فرم‌های بسته از جمله کوزه معمولاً نقوش بر سطح بیرونی و اغلب در قسمت شانه و در فرم‌های باز مانند کاسه و بشقاب، نقوش در بالاترین قسمت لبه داخلی طراحی شده‌اند. در هر دو فرم، نقوش در داخل قابهای مدور مجزا از هم قرار گرفته و زمینه نقوش و فضای حد واسط قابهای مدور آنها با نقوش گیاهی و اسلیمی یا انتزاعی ریز پر شده است.

در این کوزه نقوش علائم دایره البروج با لعاب زرین‌فام بر روی زمینه سفید در دیواره خارجی ایجاد شده است (Allan, 1991, pp. 30-31). نقوش مزبور در قسمت شانه ظرف طراحی شده و دو کتیبه نسخ یکی در پایین به صورت بزرگ‌تر و یکی در بالا به صورت کوچک‌تر آنها دربر گرفته است.

نکته جالب توجه شباهت طراحی نقوش حمل، ثور، قوس و جدی البته با تفاوت‌های اندک متناسب با هر نقش است. از جمله حمل به صورت قوچی است که پای راست جلو خود را بلند کرده و ثور که باید به صورت گاو باشد با جثه کوچک و مشابه قوچ با اندک تفاوتی در قسمت سر و شاخ‌ها طراحی شده است. همچنین قوس فقط بخش کوچکی به صورت نیم‌تنه مرد با کمانی در دست، اضافه

بازتاب انواع صورت‌های فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفوی و تطبیق آن‌ها با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی



تصویر ۹. صورت فلکی اسد در کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.



تصویر ۸. نمای نزدیک شیر نشانگر صورت فلکی اسد، مأخذ: همان.



تصویر ۷. کاسه زرین‌فام با نقش شیر در کف داخلی. مأخذ: موزه متروپولیتن.

و در زیر دست چپ نقش یک ماهی دیده می‌شود. نقش مزبور دارای پوششی دامن‌مانند به رنگ آبی کمرنگ در پایین‌تنه، همراه با گل‌های تزئینی سه و چهارپر بر روی آن است. در بالاتنه نیز پوششی قهوه‌ای رنگ دیده می‌شود که در قسمت جلوی آن یک نقش ضربدری به شکل قیچی باز شده طراحی شده است.

به نظر می‌رسد هدف طراح این نقش، ارائه برج یا صورت فلکی ثور^۲ بوده است که در نزد محققان علم نجوم «چون نیم‌گاو» تخیل شده که روی سوی مشرق و پشت به مغرب دارد و یکصد و چهل و یک ستاره بر آن رصد کرده اند و ثریا و عین الثور در این صورت باشد و بودن آفتاب در این برج به اردی بهشت (نیسان سریانی) باشد... و بیت الشرف ماه در آن است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه ثور)

این برج نماینده آن دسته از جانورانی است که با آدمی خو گرفته و اهلی هستند. کسی که طالع وی در برج ثور است کاهل، دوراندیش، بردبار، مکار و دارای ابروی معمولاً خرد، پیشانی بلند، گردن دراز و سیاه چشم و زیرنگر و بینی پهن و سر برآمده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۲۷)

از جمله دلایلی که احتمال دربرداشتن مفهوم نجومی این نقش را بیشتر می‌کند ترسیم نقش ماهی به‌عنوان سمبل دریا، بوته‌های گیاهان به‌عنوان نماد خشکی یا زمین و نقش انتزاعی خورشید در کنار آن است. همچنین دامن و پوشش زنانه پیکره نیز گواهی دیگر بر این امر است، زیرا این علامت منطقه البروج «دارای طبع سرد و خشک و مونث و دارای زنانگی شدید است» (همان، ۱۳۲۷). نکته جالب توجه نیم‌گاو بودن این نقش است که کاملاً با مفهوم صورت فلکی ثور که آنهم به‌صورت نیم گاو تجسم می‌شود متناسب است.

علاوه بر مفهوم برج ثور، این نقش می‌تواند نمادی از مفهوم نجومی دیگری تحت عنوان «گاو زمین» هم باشد «گاو» که زمین بر پشت اوست و آن گاو بر پشت ماهی است» زیرا «در اساطیر آورده‌اند که زمین بر دو شاخ

زمینه سفید طراحی شده است. این ظرف که احتمالاً در شمالغرب ایران ساخته شده دارای امضای فردی به نام «عبدالواحد» و تاریخ ۹۷۱ ه.ق است.

در مقایسه نقوش دایره البروج دو نمونه فوق می‌توان گفت از قرن ۶ هجری تا قرن ۱۰ هجری نقوش مزبور با تغییرات اندکی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از جمله تفاوتها می‌توان به نوع پوشش لباسهای نمادهای انسانی که متناسب با هر دوره است و نیز تفاوتهایی در طراحی صورتهای عقرب، سنبله، جدی و دلو اشاره کرد.

ج. نقوش دایره البروج به صورت تکی

در این بخش سعی شده است نمونه‌هایی از نقوش دایره البروج که به صورت تکی یا منفرد و نسبتاً بزرگ بر سطح ظروف سفالی طراحی شده‌اند به ترتیب علایم دایره البروج البته در صورت کاربرد و موجود بودن، ارائه گردد. در رابطه با دلایل عدم کاربرد برخی از این صورتها در ادامه صحبت خواهیم کرد. بدین ترتیب اولین نمونه‌ای که در این گروه معرفی می‌شود ارائه‌کننده مشخصات بُرج ۱ ثور(گاو)، یعنی دومین برج فلکی یا دومین خانه خورشید(قوسی ۳۰ درجه) از دایره البروج است. لازم به ذکر است که به اعتقاد نگارنده کاربرد نقوش حیوانات به صورت تکی در سفال اسلامی تا قبل از ورود مغولان و تأثیر هنر طبیعتگرایی چینی کمتر با هدف تزئینی صرف یا بازنمایی طبیعت صورت گرفته و اغلب معنا و مفهومی خاص را دربردارد که یکی از این مفاهیم نمادین، صور نجومی است.

۱. ج. بشقاب از جنس خمیر معمولی با نقوش رنگارنگ روی لعاب گلی کرمی، ساخت شهر نیشابور، متعلق به دوره سامانی (سده چهارم هجری)، موجود در موزه ملی ایران (تصویر ۵)

این ظرف حاوی تصویر انسان- حیوان خیالی با سر گاو و دو شاخ بلند هلالی است که در هر دست آن، شیئی شبیه بوته گل و در زیر دست راست، نقش انتزاعی خورشید

بقیه از صفحه قبل

بود، منجمی به نام بطروجی است (صلیبا و طوقان، ۱۹۶۳: ۴۰۳). آقایان رحیم قربانی و مهدی راعی در مقاله‌ای با عنوان «وامداری غرب به اسلام در علم نجوم» بطور مفصل به این موضوع پرداخته‌اند (قربانی و راعی، ۱۳۸۴).

۲. مجموعه هائی از ستارگان که برای شناختن و تمیز آنها ستاره شناسان بهر یک نام حیوانی یا چیز دیگر داده‌اند که بیش و کم آن مجموعه بدان حیوان یا شیء، شبیه تواند بود (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه صورت فلکی).

۱. برج: به معنی قصر و حصار عالی و خانه و جمع آن بروج و ایراج، در اصطلاح نجومی عبارت است از قوسی در منطقه البروج که به سی درجه تقسیم شده که یک دوازدهم ۳۶۰ درجه دور دایره بزرگی در آن منطقه است و هر قسمت به نام یکی از صور فلکی یا ماههای شمسی است (مصفا، ۱۳۵۷: ۲۵۶)



تصویر ۱۲. صورت فلکی قوس در کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.



تصویر ۱۱. نقش کف داخلی بدون اسلیمی‌های سبز زمینه. مأخذ: همان



تصویر ۱۰. کاسه سفالی نوع آق‌کند با نقش احتمالی صورت فلکی قوس به صورت نقش کنده در کف داخلی. مأخذ: Fehrevari, 2000

زندگی، جاه طلبی، غرور و ترقی، دلیری و شجاعت، سخت‌دلی و جف کاری و فراموشی را به او نسبت داده و اسد را خداوند سواران و ضرابان و صیادان نامیده است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۸۳ و ۳۸۷).

شایان ذکر است که در اغلب تمدنهای کهن، از جمله ایران، شیر به واسطه دارا بودن قدرت زیاد، مظهر نیرو و قدرت، پادشاه و مبارزه معرفی شده است. از این رو حیوان مزبور نماد جانوری ایزد مهر در ایران باستان و چهارمین مرتبه از مراتب مهر و نخستین مرتبه از مراتب اعلی به شمار می‌رفت (کریمی، ۱۳۸۱: ۲۳۷). همچنین شیر، سمبل خورشید و برکت و باروری نیز بوده است (صدیقیان، ۱۳۸۶: ۳).

خاطر نشان می‌سازد که بعضاً این صورت فلکی با چهره انسان و بدن شیر و با تأثیر از مفاهیم ایران باستان نیز در کف داخلی ظروف سفالی اسلامی نمایش داده شده است.

ج. ۳. کاسه بزرگ از جنس خمیر معمولی با تزیینات نقش کنده نوع آق‌کند، ساخت شمال غرب ایران، متعلق به اوایل دوره سلجوقی (قرن ۵ ه.ق.)، به ارتفاع: ۱۰،۵ و قطر: ۲۰،۵ سانتی متر، موجود در موزه طاروق رجب کویت (تصویر ۱۰).

نقش تزیینی کف داخلی این کاسه به صورت موجود عجیب الخلقه‌ای با سر انسان و بدن حیوانی چهارپا به رنگ نارنجی در زمینه نقوش اسلیمی سبزرنگ است که به دلیل کمبود فضا پاهای عقب در فضای بالاتر و نامتقارن طراحی شده‌اند. این نقش عجیب می‌تواند نمایشگر یکی دیگر از صورت‌های فلکی یعنی بُرج قوس^۱ (کمان) نهمین برج فلکی یا نهمین خانه خورشید (قوسی ۳۰ درجه) از دایره البروج باشد. صورت فلکی مزبور ترکیبی از بالاتنه یک مرد کماندار و پایین تنه اسب است. هرچند در این تصویر نقش کمان به صورت واضح مشاهده نمی‌شود اما دلایل دیگری چون دواپر پر رنگ و مدالیونهای روی آنها، احتمال القای صورت فلکی مزبور را افزایش می‌دهد.

گاو قرار دارد» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه گاو زمین). با در نظر گرفتن این مفهوم نجومی، کاربرد این نقش می‌تواند با هدف کسب برکت و باروری به کار رفته باشد زیرا گاو زمین در فرهنگ و ادبیات ایرانی «کنایه از قوتی است که خدای تعالی در مرکز زمین خلق کرده است» (همان: ذیل واژه گاو زمین).

ج. ۲. کاسه از جنس خمیر سنگ با نقوش زرین فام، ساخت کاشان، متعلق به اواخر دوره سلجوقی، به ارتفاع: ۱۰،۵ و قطر: ۲۲،۲ سانتیمتر، موجود در موزه متروپولیتن نیویورک (تصویر ۷).

نقش تزیینی داخل این کاسه متشکل از شمشه‌ای بزرگ در قسمت مرکزی با اشعه‌هایی در اطراف آن و نقش یک قلاده شیر جوان و بدون یال به همراه یک پرندۀ کوچک در بالای آن است. اطراف شمشه مزبور را تا قسمت لبه، سه نوار تزیینی محتوی کتیبه‌های نسخ و کوفی دربرگرفته است. نحوه ترسیم عضلات نیرومند و سر بزرگ حیوان، نشانگر شیر بودن آن است؛ بنابراین خال‌ها یا نقاط روی پوست حیوان را نباید به عنوان خال‌های پوست پلنگ تلقی کرد بلکه به احتمال قوی آنها نماینده ستارگان تشکیل دهنده صورت فلکی اسد^۱ (شیر) پنجمین علامت منطقه البروج هستند.

نکته جالب توجه مطابقت کامل تعداد خال‌های درشت روی پوست شیر با تعداد ستاره‌های تشکیل دهنده صورت فلکی اسد است که تعداد آنها بیست و هفت عدد است. از جمله نشانه‌های دیگری که مفهوم نجومی نقش شیر کف ظرف را محتمل تر می‌نماید اشعه‌های ساطع شده از شمشه واقع در زمینه نقش شیر است که بر خورشید بودن آن و انطباق با صورت اسد به عنوان خانه آفتاب دلالت می‌کند. برج اسد در نزد محققان علم نجوم صورت شمالی و خانه آفتاب است (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه اسد به نقل از مفاتیح العلوم) که در ماه میانی تابستان واقع شده است. از همین رو برج مذکور خصوصیت شکوفایی طبیعت را همراه با شعاع‌های گرم خورشید دارد. ابوریحان بیرونی شادی

1. Leo
2. Sagittarius

بازتاب انواع صورت‌های فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفوی و تطبیق آن‌ها با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی



تصویر ۱۵- بشقاب با نقش تزئینی دو ماهی در مرکز کف داخلی. مأخذ: موزه ویکتوریا.



تصویر ۱۴- صورت فلکی جدی در کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.



تصویر ۱۳- کاسه با نقش صورت فلکی جدی. مأخذ: کیانی و کریمی، ۱۳۷۴.

علاوه بر خصوصیات فوق، بُراق را با ریش و جعد و تاج بر سر نهاده توصیف کرده است. (ابن بلخی به نقل از دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل بُراق)

در مقایسه این توصیفات با نقش مزبور متوجه می‌شویم که مشخصاتی چون یالِ پرمو، پوست سفید، یال اسب و ریش، جعد و تاج در آن مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر مقایسه این نقش با تصاویری که از بُراق در هنر نگارگری اسلامی برجای مانده، عدم انطباق آن با بُراق را بیشتر نشان می‌دهد. همچنین در تمام نگاره‌هایی که از شب معراج سراغ داریم پیامبر سوار بر بُراق دیده می‌شود و اساساً بُراق بدون حضور پیامبر معنایی نمی‌تواند داشته باشد.

ج. ۴. کاسه از جنس خمیر معمولی با نقوش رنگارنگ روی لعاب گلی کرمی، ساخت شهر نیشابور، متعلق به دوره سامانی (سده چهارم هجری)، موجود در موزه آبکینه تهران (تصویر ۱۳)

در کف داخلی این کاسه تصویر انتزاعی یک بز به رنگ قهوه‌ای که حدود بدنش با نقوش مرواریدی کوچکی ارائه شده و فضای روی پوست آن با نقوش مرواریدی شکل مشابهی تزئین یافته، ترسیم شده است. در زمینه نقش

خاصه اینکه یک دست اضافی بر روی پشت این نقش مشاهده می‌شود که در قسمت انتهایی، شکل قوسدار یک کمان را به رنگی متمایز از سایر نقوش اسلیمی واقع در زمینه تداعی می‌کند.

ابوریحان بیرونی این صورت فلکی را همچون اسبی تا بگرد نگاه، از آن جا نیمه زیرینش بر شبه آدمی شود و گیسو فروهشته از پس و تیر در کمان نهاده و سیر کشیده، وصف می‌کند (بیرونی، ۱۳۶۲: ۹۱) صاحب طالع قوس را ملک طبع، راز دار، بخشنده، مکار، متعصب، پاکیزه خورش و معجب وصف کرده اند (مصفی، ۱۳۵۷: ۶۰۶).

برخلاف عقیده گزا فهروری، محقق سفال اسلامی، که این نقش را به بُراق، مرکب پیامبر(ص) در شب معراج نسبت داده (Fehrevari, 2000: p. 81)، بنا به دلایلی چند، این نظر نمی‌تواند درست باشد. مطابق روایات اسلامی، بُراق از چهارپایان بهشتی است که جثه‌ای کشیده و بزرگتر از درازگوش و کوچکتر از استر دارد، یال آن پُر مو و رنگ پوستش سفید است (دمیری، ۱۳۸۳: ج ۱، ۱۶۵). همچنین روایاتی در مجمع البیان، بُراق را با دُمی چون دم گاو و پاهایی مانند پای شتر و یالی چون یال اسب معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۵۳: ج ۱۲، ۲۳) ابن بلخی نیز در فارسنامه



تصویر ۱۸- صورت فلکی حوت در کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.



تصویر ۱۷. صورت فلکی حوت روی بشقاب آبی و سفید صفوی موجود در موزه برلین. مأخذ: موزه برلین.



تصویر ۱۶. نمای نزدیک نقش تزئینی دو ماهی مشابه با صورت فلکی حوت. مأخذ: همان.



تصویر ۲۰. نمای نزدیک کلب و ارنب در قسمت شانه گلدان. مأخذ: همان.



تصویر ۲۱. کلب و ارنب بر روی یک قلمدان برنجی متعلق به قرن ۷ هجری موجود در موزه بریتانیا. مأخذ: قهاری کیگلو و محمد زاده، ۱۳۸۸



تصویر ۱۹. گلدان سفالین زرین‌فام متعلق به عصر سلجوقی موجود در موزه گرگان. مأخذ: مرتضایی و صداقتی زاده، ۱۳۹۱.

بر روی لبه ظرف نیز نقوش اسلیمی زنجیره‌ای ریزتری قابل مشاهده است. به نظر می‌رسد نقش دو ماهی کف ظرف که به صورت دَوَرانی و پشت‌سره‌م طراحی شده نمادی از بُرج حوت^۲ (ماهی)، دوازدهمین برج فلکی یا دوازدهمین خانه خورشید (قوسی ۳۰ درجه) از دایره البروج است که «آنرا بر مثال دو ماهی توهم کنند دنبال هر دو به هم پیوسته و کواکب آن سی و چهار است» (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه حوت به نقل از جهان دانش) علی‌رغم تفاوت‌های جزئی نقش دو ماهی کف این ظرف با صورت فلکی حوت موجود در کتاب صورالکواکب، با توجه به وجود نمونه‌های متعددی از این صورت فلکی که با ویژگی‌های کاملاً مشابه طراحی شده‌اند؛ از جمله نماد صورت فلکی حوت روی بشقاب آبی و سفید صفوی موجود در موزه برلین (تصاویر ۴ و ۱۷) می‌توان وجه صورت فلکی بودن آنرا محتمل دانست.

حوت با نام فارسی خود، ماهی و ماهی چرخ آسمان و ماهی فلکی همراه با دیگر ستارگان و برج و نیز به تنهایی و بیش تر به منظور مدح و بیان تحویل سال و تغییر فصل یا اظهار اطلاع در مسائل نجومی و نیز به قصد تصنع و اعنات و تناسب در شعر فارسی فراوان آمده است (مصفی، ۱۳۵۷: ۲۱۴)

در انتهای این بخش لازم به ذکر است که عدم کاربرد تکی برخی از صورت‌های برج فلکی مانند برج‌های حمل، عقرب و دلو را می‌توان تحت تأثیر اعتقاد به نحوست سیاراتی که خانه آنها محسوب می‌شوند دانست. از جمله برج حمل خانه مریخ است که بر طبق احکام نجومی از ستاره‌های نحس است و وجه تسمیه آن به بهرام به خاطر جنگ و خصومت و خون‌ریزی است و به همین جهت منجمان این سیاره را بعد از کیوان که نحس اکبر است، به‌عنوان

اصلی نیز نقوش اسلیمی پراکنده با شیوه مشابهی طراحی و تزیین شده‌اند. نقوش مرواریدی شکل مزبور که با لعاب سفید طراحی شده، تداعی کننده نقوش ستارگان درخشان آسمان و القای مفهوم نجومی نقش این بز و بطور خاص صورت فلکی جدی^۱ (بزغاله)، دهمین برج فلکی یا دهمین خانه خورشید (قوسی ۳۰ درجه) از دایره البروج است که در نسخه صورالکواکب به شکل بز با شاخهای بلند هلالی و بدون پایین تنه تخیل شده است.

در احکام نجوم جدی خداوند صیادان، بندگان، چاکران و غلامان است و خصوصیتی چون فراموش کاری و سخت گیری در رای و دوست دارنده حکمت و خشم آلود و بد اندیش به صاحب طالع این برج نسبت داده شده است. جدی خداوند صیادان، بندگان، چاکران و غلامان است (بیرونی، ۱۳۶۲: ۳۳۲ و ۳۳۳)

ج. ۵. بشقاب از جنس خمیر شیشه با تزیینات نقاشی در زیر لعاب سبز، محل ساخت نامعلوم، متعلق به اوایل دوره صفوی، موجود در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن (تصویر ۱۵)

نقوش تزیینی این بشقاب شامل دو ماهی در درون یک قاب مدور در مرکز کف داخلی، یک قاب مدور دیگر از نقوش اسلیمی زنجیره‌ای درشت در اطراف نقش دو ماهی و یک کتیبه فارسی در داخل چهار ترنج است. مضمون کتیبه، یک رباعی از شاه‌نعمت‌الله ولی (۷۳۱ - ۸۳۲ ه.ق) از صوفیان بنام ایران در قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری به شرح زیر است:

ای دل به طریق عاشقی راه یکی است

در کشور عشق بنده و شاه یکی است

تا ترک دورنگی نکنی در ره عشق

واقف نشوی که نعمت الله یکی است

1. Capricornus

2. Pisces

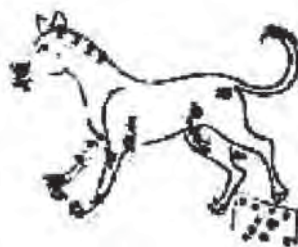
بازتاب انواع صورت‌های فلکی در هنر سفالگری دوران اسلامی تا دوره صفوی و تطبیق آن‌ها با نمونه‌های موجود در کتاب صورالکواکب عبدالرحمن صوفی



تصویر ۲۳. سفالینه آفکند موجود در موزه بنیاد با نقش احتمالی صورت فلکی نسر طایر. مأخذ: زارعی و شریف کاظمی، ۱۳۹۲.



تصویر ۲۲- صورتهای فلکی کلب و ارنب در نسخه خطی از کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.



تصویر ۲۶. صورت فلکی فرس اعظم در نسخه خطی از کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.



تصویر ۲۵. بشقاب زرین‌فام با نقش صورت فلکی فرس اعظم در کف داخلی. مأخذ: واتسون، ۱۳۸۲.



تصویر ۲۴. صورت فلکی نسر طایر با بالهای گشوده در نسخه خطی از کتاب صورالکواکب. مأخذ: صوفی، ۱۳۸۱.

د- سایر نقوش و مفاهیم نجومی

۱- کلب و ارنب: کلب به معنی سگ و ارنب به معنی خرگوش، صورتهای فلکی کوچکی هستند در نیمکره جنوبی آسمان و ارنب در سمت مشرق کلب قرار گرفته است (قهاری گیگلو و محمد زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۰) لازم به ذکر است که در آسمان، دو سگ کوچک و بزرگ (صورتهای فلکی کلب اکبر و کلب اصغر)، صورت فلکی موسوم به شکارچی (جبار) را همراهی می‌کنند و خرگوشی (ارنب) هم در زیر پای شکارچی قرار دارد (Burnham, 1978: 83) که آنرا به فارسی خرگوش فلک گویند (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه ارنب). بر روی شانه یک گلدان زرین‌فام موجود در موزه گرگان، نقش سگی در حال تعقیب خرگوشی مشاهده می‌شود که با مشخصات صورتهای فلکی کلب و ارنب مشابهت دارد و مقایسه آن با نمونه‌های فلزی و کتب نجومی هم‌دوره آن، ارتباط با صورتهای فلکی مزبور را مسجل می‌نماید (تصویر ۱۹). این نقش به‌خصوص در ظروف فلزی سده‌های میانی اسلامی اغلب به‌صورت نقشی حاشیه‌ای در اطراف نقوش تزیینی اصلی (ازجمله در قلمدان برنجی متعلق به قرن ۷ هجری موجود در موزه بریتانیا) و گاهی به‌صورت کاملاً مستقل مورد استفاده قرار گرفته است (تصویر ۲۱).

نحس اصغر معرفی کرده‌اند (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه مریخ). همچنین برج عقرب هشتمین برج از منطقه البروج و از صورتهای جنوبی و برابر با ماه آبان نیز دومین خانه مریخ است و بیرونی در التفهیم این برج را علامت برخوردارهای ناهنجار، ترشروی و بی شرمی، کاهلی و تکبر و نادانی می‌داند (بیرونی، ۱۳۱۶: ۲۳۸) به همین شکل، برج دلو که یازدهمین علامت منطقه البروج است دومین خانه زحل یا کیوان محسوب می‌شود که نزد منجمان به عنوان نحس اکبر شمرده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژگان زحل و کیوان). علاوه بر این، کریه المنظر بودن و برخی از صفات منسوب به برج سرطان در احکام نجوم از جمله گنگی و کاهلی و دورویی می‌تواند از جمله عوامل عدم کاربرد تکی آن محسوب شود (مصفی، ۱۳۵۷: ۱۲۱) علت کاربرد فراوان برخی دیگر از صورتهای فلکی به‌صورت منفرد نیز می‌تواند در همین راستا ارزیابی گردد. ازجمله صورتهای فلکی حوت و قوس هر دو خانه‌های مشتری اند که بنا بر احکام نجومی، مشتری بواسطه بزرگی، درخشندگی و مرئی بودن از زمین، سعد اکبر محسوب می‌شده است. گذشته از این‌ها؛ صورتهای فلکی در قالب حیوان با توجه به بار تزیینی بیشتر، از اقبال گسترده‌تری نسبت به سایر صورتهای از جمله صورت میزان برخوردار بوده‌اند.



۲.د. نَسْر طایر:

«یکی از صور شمالی فلک بر صورت سه کوکب مشهور است ... و عرب آن سه کوکب صفکشیده را نسر طایر نامیده اند بدان سبب که نسر واقع، به ازای اوست و چون واقع را بال فرو افکنده دارد، واقع خوانده اند. این نسر را که بال گسترده‌ای دارد طایر خوانده‌اند یعنی پنداری می‌پرد... عوام سه کوکب نسر طایر را از جهت راستی کواکبش بر مثال شاهین، ترازو خوانده اند» (صوفی، ۱۳۶۰، ۱۰۳-۱۰۲) صورت نسر طائر را شاهین و عقاب نیز خوانند (دهخدا) در منابع غربی از آن با عنوان کرکس هم یاد می‌شود (فراس، ۱۳۶۹، ۲۸).

آن اسب بالدار آسمان یا پگاسوس^۱، همان اسبی بود که پرسپوس یا برسائوس^۲ سوار بر آن معشوقه خود یعنی آندرومدا را از دست هیولای دریا نجات داده است (دگانی، ۱۳۷۴: صص ۴۲-۴۱).

در کف داخلی یک بشقاب زرین فام ساخت شهر ری متعلق به دوره سلجوقی به قطر ۲۰،۵ سانتیمتر واقع در موزه هنری متروپولیتن نقش یک اسب بالدار در حال جهش به رنگ سفید و در زمینه طلایی رنگ به سبک درشت نقش، ترسیم شده است. سر اسب مزبور به طرف عقب برگشته و بر روی بدن و بالهای آن نیز لکه‌های قهوه‌ای رنگ دیده می‌شود. علاوه بر نقش اسب بالدار یکسری نقوش اسلیمی سفید رنگ با برگهای درشت نیز در زمینه طلایی مشاهده می‌شود (تصویر ۲۵).

کاربرد نقش اسب بالدار در هنر ایران دارای سابقه طولانی از اعصار پیش از تاریخ است که یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های آن را می‌توان بر روی یک قطعه سفالی در تپه قبرستان قزوین مشاهده کرد. اما نقش اسب بالدار در اینجا به باتوجه به شباهت‌های ساختاری و طراحی فراوان با صورت فلکی فرس اعظم در کتاب صورالکواکب به نظر می‌رسد نشانگر همین صورت فلکی باشد. از جمله دلایلی که ارتباط این نقش را با صورت فلکی مزبور تقویت می‌کند وجود دوایر قهوه‌ای و مشکی رنگ بر روی پوست اسب است که به مانند تصویر فرس اعظم در صورالکواکب نشانگر ستاره‌های تداعی‌کننده این صورت فلکی است.

بر سطح داخلی یک بشقاب سفالی متعلق به گروه موسوم به آقکند، موجود در موزه بنیاد تهران، نقش پرنده‌ای به رنگ سبز در زمینه مشکی مشاهده می‌شود که بالهای گشوده پرنده، تمامی سطح ظرف را پوشانده و جزئیات طراحی آن شباهت کامل با صورت فلکی نسر طایر در کتاب صورالکواکب دارد و حتی جهت نگاه پرنده و امتداد بال‌ها با آن مطابقت می‌کند (تصویر ۲۳).

۳.د. فرس اعظم:

فرس اعظم (اسب بزرگ) یا فرس ثانی از صور شمالی فلک (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل واژه فرس اعظم) و هفتمین صورت فلکی بزرگ آسمان محسوب می‌شود. در مورد این صورت فلکی، افسانه‌ای کهن وجود دارد که بر طبق

نتیجه

بر طبق آنچه گذشت نقوش و مفاهیم نجومی که از آنها می‌توان هم به عنوان نقوش علمی و هم به عنوان نقوش طلسم یا خرافی یاد کرد نقش پررنگی در تزیین سفالینه‌های اسلامی داشته است. بدیهی است که لازمه شناخت و تفسیر صحیح این نقوش آشنایی با مفاهیم و احکام نجومی موجود در کتب و نسخ مرتبط است.

البته هنرمندان سفالگر نقوش و مفاهیم نجومی را کاملاً منطبق با نمونه‌های کتب نجومی مورد استفاده قرار نداده اند بلکه بعضاً تغییراتی به اقتضاء در طراحی آنها ایجاد کرده اند. از جمله، برخی از صورتهای فلکی که در صورالکواکب صوفی در قالب حیوانات ناقص تصور شده‌اند در عرصه نقوش سفالی به صورت کامل طراحی شده اند. در توضیح این مسأله می‌توان به ادله چندی استناد کرد از جمله اینکه در خود کتب نجومی نیز این نقوش بعضاً به صورتهای مختلف ارائه شده اند. همچنین نمایش این نقوش در دیگر آثار هنری اسلامی از جمله نگارگری، فلزگری و... نیز از تنوع فراوانی برخوردار است و اغلب مطابقت کامل با نمونه‌های نقوش و مفاهیم نجومی موجود در کتب تخصصی نجومی نداشته است. بدین معنا که در بسیاری از موارد چیزهایی را به نقوش افزوده اند یا تغییراتی به دلخواه در آنها بوجود آورده اند. از سوی دیگر این امر را می‌توان مربوط به عدم آشنایی کامل سفالگران یا تزیینگران

1. Pegasus
۲. شکلی است بر آسمان به طرف شمال منطقه، مرکب از بیست و شش کوکب و آنرا رأس الغول نیز گویند (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل پرشائوس).

سفالینه‌ها با اشکال و مفاهیم نجومی دانست.

علاوه بر همه این ادله، احتمالاً هدف هنرمند سفالگر صرفاً کپی برداری از صور فلکی یا بیان نقوش علمی نجومی محض نبوده بلکه در کنار آن به بُعد تزئینی نقوش نیز توجه ویژه‌ای داشته است. احتمال دیگر نیز طراحی ذهنی نقوش و صور فلکی توسط هنرمندان سفالگر است که تفاوت‌هایی را با نقوش اصلی به‌وجود آورده است.

نقوش مزبور به لحاظ تکنیکی گونه‌های نقاشی لعاب گلی شهر نیشابور، نقش‌کننده لعابدار، نقاشی در زیر لعاب، زرین‌فام، مینایی و آبی - سفید را دربرمی‌گیرد که دسته زرین‌فام بیشترین تعداد از نمونه‌ها را در خود جای داده است. کاربرد این نقوش در دوران سلجوقی به اوج خود می‌رسد و نشانگر این واقعیت است که فرد سفالگر و یا خریدار از مفاهیم نجومی و ستاره‌شناسی به‌خوبی مطلع بوده است. آخرین دوره رونق نسبی کاربرد این نقوش بر روی سفالینه‌های اسلامی ایران نیز بنا بر نمونه‌های برجای‌مانده اوایل دوره صفوی است.

منابع و مأخذ

افروغ، محمد و نوروزی طلب، علیرضا. ۱۳۹۱. «تحلیل و بررسی مفاهیم نجومی به عنوان شکل و صورت‌تزیینی آثار فلزی دوره سلجوقی مطالعه موردی: آبریز برنجی»، فصلنامه نگره، ش ۲۱: صص ۶۹-۸۳.

اکرمی، موسی. ۱۳۸۰. گاهشماری ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بیرونی، ابوریحان. ۱۳۶۲. التّفهیم لأوائلِ صناعة التّنجیم. تهران: چاپ جلال الدین همائی.

دمیری، محمدبن موسی. ۱۳۸۳. حیاة الحیوان الکبری. قم: انتشارات دار ذوی القربی.

دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳. لغت نامه دهخدا، دوره جدید، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

رضازاده، طاهر، آیت‌اللهی، حبیب‌الله و مراثی، محسن. ۱۳۹۲. «نقدی بر انتساب سه اثر از فلزکاری غرب ایران به مکتب موصل در نیمه اول قرن هفتم هجری؛ عودسوز ابوبکر سنی رازی، ابریق و شمعدان موزه ویکتوریا و آلبرت»، فصلنامه نگره، ش ۲۷: صص ۴۸-۳۵.

زارعی، محمد ابراهیم و شریف کاظمی، خدیجه. ۱۳۹۲. «بررسی نمادهای نجومی نقوش سفالینه‌های اسگرافیاتو مجموعه موزه‌های بنیاد مستضعفان»، مطالعات تطبیقی هنر، س ۳، ش ۶: صص ۴۳ تا ۵۴. صلیبا، جورج و طوقان، قدری حافظ. ۱۹۶۳. نشاط العرب العلمی فی مأه سنة. بیروت.

صوفی، عبدالرحمن بن عمر. ۱۳۸۱. صورالکواکب الثابتة، ترجمه خواجه نصیرالدین طوسی، به کوشش بهروز مشیری، تهران: ققنوس.

صدیقیان، مهین‌دخت. ۱۳۸۶. فرهنگ اساطیری - حماسی ایران، ج ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

علامه جعفری، محمدتقی. ۱۳۸۳. علم و دین در حیات معقول. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.

علامه طباطبایی. ۱۳۵۳. تفسیر المیزان، ج ۲۵. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: کانون انتشارات محمدی.

فراس، نایجل. ۱۳۶۹. آسمان شب. ترجمه علی رفوف. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.

قربانی، رحیم و راعی، مهدی. ۱۳۸۴. «وامداری غرب به اسلام در علم نجوم»، ماهنامه علمی - ترویجی معرفت، س ۱۴، ش ۷: صص ۸۴-۷۳.



قهاری گیگو، مهناز و محمدزاده مهدی. ۱۳۸۹. «بررسی تطبیقی صور نجومی در نسخه صورالکواکب و آثار فلزی سده‌های پنجم تا هفتم هجری»، س ۵، ش ۱۴: صص ۲۲-۵.

کریمی، فاطمه و کیانی، محمد یوسف. ۱۳۷۴. هنر سفالگری دوره اسلامی ایران. تهران: انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران.

ماهیار، عباس. ۱۳۸۲. ثری تا ثریا. تهران: نشر جام گل.

محمودی، فتانه و موسی پور، یزدان. ۱۳۹۴. «تأثیر هنر فلز کاری مکتب خراسان بر فلز کاری مکتب موصل. بررسی موردی قلمدان و گلاب پاش»، مطالعات هنر بومی، دوره ۱، ش ۳: صص ۱۵۳-۱۲۷.

مرتضایی، محمد و صداقتی‌زاده، ندا. ۱۳۹۱. «بررسی نقوش جانوری سفالینه‌های کهن شهر گرگان (جرجان) در دوران اسلامی»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، دوره ۲، ش ۲: صص ۴۷ تا ۶۲.

مصطفی، ابوالفضل. ۱۳۵۷. فرهنگ اصطلاحات نجومی، همراه با واژه‌های کیهانی در شعر فارسی. تهران: موسسه تاریخ و فرهنگ، تبریز.

ناصریان اصل، شیماء و مجابی، سیدعلی. ۱۳۹۲. «مطالعه‌ای بر نقوش نجومی در فلز کاری دوره سلجوقی و فرش دوره قاجار»، همایش منطقه‌ای تأثیر آموزه‌های اسلامی در پیشرفت علوم و فناوری‌های نوین، ساری. نصر، سید حسین. ۱۳۸۶. علم و تمدن در اسلام. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ورجواند، پرویز. ۱۳۶۶. کاوش رصدخانه مراغه و نگاهی به پیشینه دانش ستاره‌شناسی در ایران. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

Allan, James W . 1991. Islamic Ceramics, Ashmolean-Christie's Handbooks . Oxford: Ashmolean Museum, no. 16.

Fehrevari, Geza . 2000. Ceramics of the Islamic worlds in the Tareq Rajab museum, Tauris.

Burnham Jr. 1978. celestial handbook : an observer , s guide to the universe beyond the Solar System, Dover Publications, New York.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Reflection of Constellations Motifs on Pottery of Islamic Iran until the Safavid Period in Comparison with the Old Version of the Book of Sovarolkavakib

Seyed Hashem Hoseini, Associate Professor, Archaeology and Islamic-era Art, Art Faculty, Art University of Isfahan, Iran.

Received: 2016/3/10 Accepted: 2017/1/25



Designs over Islamic pottery are among the most beautiful and yet so full of mystery decorative motifs of Islamic art that represent various aspects of past people's lives. Interpretation of meanings and concepts behind these seemingly ordinary motifs requires knowledge from various sources that influence their use, including mysticism, astronomy, literature, etc. The important point in the interpretation of these motifs is attention to the lack of purely decorative or aesthetic use of motifs. The present study is an attempt to establish a connection with some of these beautiful designs and decipher their meanings. As we know astronomy had importance for various religious and nonreligious reasons in the Islamic period and obviously potters couldn't ignore that for attracting more customers and were encouraged to apply astronomical signs. Obviously identification of different kinds of these motifs can show us condition and amount of relation between pottery art with other life aspects of people, especially scientific or even superstitious ones. In this way main decorative characteristics and most important factors of application and concepts of astronomical motifs, especially individual constellations in many of typical potteries with these motifs from early Islamic period until Safavid period, have been discussed and analyzed. The objective of the study, besides the classification of all the types of constellations depicted on Islamic-era potteries and their qualities, is the extent of their compliance with the examples in the book of Sovarolkavakib. The research method is descriptive-analytical with a comparative approach. Statistical population is consisted of eleven significant examples of Islamic-era pottery wares with constellations motifs, selected from different books or museums and after detecting their period of making and method of decoration, their astronomical concepts have been compared with astronomical designs of the book of Sovarolkavakib Al-sufi. Based on the findings of the research, constellations motifs on the Islamic potteries have a vast variety and with regard to the more emphasized focus of the potters on decorative factors, they have been changed depending on the artisans' tastes and aren't completely similar to constellations examples in astronomy manuscripts.

Keywords: Islamic Art, Iranian Pottery, Constellations, Sovarolkavakib.